

(دیجیتال آرت)، نادعلیان با آثاری در زمینه هنر محیطی و دارش با آثار حجمی خود در این جشنواره شرکت خواهند کرد.

ارمنستان

میتینگ حزب کمونیست در کنار سفارت آمریکا در ارمنستان

حزب کمونیست میتینگ بر علیه جنگ عراق در کنار ساختمان سفارت آمریکا در جمهوری ارمنستان ترتیب داد. بر اساس سخنان ساناتروک ساهاکیان دبیر دوم کمیته حزب کمونیست، هشت روز بعد از آغاز جنگ عراق ما میتینگ ترتیب می دهیم، زیرا بر این نظر می باشیم که بالاخره ایالات متحده آمریکا درک خواهد کرد و به تصمیم سازمان ملل متحد احترام می گذارد و از عراق خارج خواهد شد. اما در صورتی که جنگ عراق متوقف نشود ما کمونیست ها از سفیر آمریکا در ارمنستان درخواست خواهیم کرد تا ارمنستان را ترک نماید.

شبکه تلویزیونی پروموس ۸۲/۰۱/۰۷

۱۷۰۰- مین سالگرد تأسیس کلیسای اجمیادزین

امسال جشن ۱۷۰۰-مین سالگرد تأسیس کلیسای اجمیادزین مقدس برگزار خواهد گردید. ارمنیان سراسر جهان دو سال پیش یعنی در سال ۲۰۰۱ میلادی ۱۷۰۰-مین سال پذیرش رسمی دین مسیحیت را جشن گرفتند. شورای عالی روحانی کلیسای اجمیادزین مقدس دیروز به ریاست گارگین دوم اسقف اعظم ارمنیان جهان تشکیل جلسه داده است.

بخش فارسی رادیوی سراسری ارمنستان ۸۱/۱۲/۱۷

دست اندرکار ارمنی و اولین نیروگاه برق آبی خصوصی

اولین نیروگاه برق آبی خصوصی توسط آشوت گریگوریان سرمایه دار ارمنی ساکن کشور اسلواکی بوسیله یک شرکت معروف در این کشور در دست احداث می باشد. آشوت گریگوریان بعنوان نماینده جامعه کوچک ارمنیان در این کشور به امور اجتماعی نیز مشغول می باشد. وی می گوید که بیشتر از یکسال است پیگیر تصویب قتل عام سال ۱۹۱۵ ارمنیان از سوی مجلس کشور یاد شده می باشد و آقای شوستر رئیس جمهور اسلواکی نیز از این امر حمایت می کند و او امیدوار است که امسال مجلس این کشور تصمیماتی را به نفع ارمنیان اتخاذ خواهد کرد.

شبکه سراسری تلویزیون ۸۱/۱۲/۱۳

گوناگون

پدر کامپیوتر جهان درگذشت

راجر نیدهام، پدر و پیشاز کامپیوتر جهان و مدیر مرکز تحقیقات شرکت مایکروسافت انگلیس به علت بیماری سرطان درگذشت. پروفیسور نیدهام در سال ۱۹۳۵ در انگلیس متولد شد و در سال ۱۹۵۶ به دانشگاه کمبریج پیوست و دکترای خود را در رشته کامپیوتر به پایان رساند. تز دکترای وی در رابطه با مشکلات طبقه بندی کامپیوترهای دیجیتال بود. وی پس از کسب دکترای مبدل به استادی ورزیده در پروژه های امنیتی و کلیدی کامپیوتر شد و خیلی زود سیستمهای عملیاتی و شبکه های منطقه محلی را به راه انداخت. وی در سال ۱۹۶۲ به آزمایشگاه کامپیوتر دانشگاه کمبریج پیوست. در سال ۱۹۸۰ به ریاست این مجموعه برگزیده شد و تا سال ۱۹۹۵ یعنی زمان بازنشستگی خود در این سمت مشغول به فعالیت بود. بازنشستگی نیدهام برای وی برخلاف دیگران فعالیتهای گسترده ای را به همراه داشت. وی در سال ۱۹۹۶ مرکز تحقیقات مشترک مایکروسافت را در انگلیس راه اندازی کرد و در سال ۲۰۰۱ به خاطر ارائه خدماتش در علم کامپیوتر موفق به دریافت CBE شد.

تازه ترین توصیه های پزشکان در مورد میگرن

دو گروه پزشکی که بزرگترین انجمن های مراقبت اولیه در آمریکا به شمار می روند، برای نخستین بار توصیه هایی در مورد پیشگیری و درمان میگرن ارائه کردند. در این رهنمودها که توسط کالج پزشکان داخلی آمریکا و فرهنگستان پزشکان خانواده آمریکا تهیه شده و در اختیار پزشکان قرار گرفته است، اسپیرین یا ایبوپروفن به عنوان درمان های مرحله نخست میگرن توصیه شده است. معمولاً توصیه های مربوط به میگرن توسط متخصصان اعصاب ارائه می شود، اما کالج پزشکان داخلی آمریکا در اواسط دهه ۱۹۹۰ طی یک بررسی، اولویت هایی را

مرور اخبار

نوروز باستانی بر فرزندان ایران زمین خجسته باد

ایران

خط یک مترو تهران توسعه یافت

مدیرعامل شرکت راه آهن شهری تهران مترو از راه اندازی و اتصال موقت ایستگاههای حرم مطهر امام خمینی و بهشت زهرا به خط یک مترو خبر داد. محسن هاشمی روز سه شنبه با اشاره به اینکه خط یک مترو دارای طول ۲۰ کیلومتر و ۱۹ ایستگاه است، افزود: با راه اندازی و اتصال آزمایشی این ایستگاهها به شبکه اصلی مترو، طول خط یک مترو به ۲۹ کیلومتر و ۲۰ ایستگاه ارتقاء یافت. وی تصریح کرد: با اتصال این قطعه از خط یک به شبکه قطار شهری تهران، تعداد سفرهای انجام شده در روز به بیش از ۶۵۰ هزار سفر ارتقاء می یابد که متجاوز از ۳۰۰ هزار سفر آن در خط یک مترو تهران صورت می پذیرد.

تعداد گردشگران خارجی در ایران به ۸۰۰ هزار نفر رسید

سفیر ایران در آلمان در سی و نهمین نمایشگاه بین المللی توریسم در برلین با اشاره به جاذبه های گردشگری کشورمان خواستار سرمایه گذاری آلمان در صنعت گردشگری ایران شد. شمس الدین خارقانی در مراسم افتتاح غرفه ایران در این نمایشگاه که روز دوشنبه برگزار شد، افزود: در حال حاضر ایران به عنوان ۱۰ کشور برتر جهان در صنعت گردشگری جهان به شمار می آید. وی افزود: طی پنج سال اخیر تعداد گردشگران خارجی در ایران از مرز ۴۰۰ هزار نفر به سقف ۸۰۰ هزار نفر در سال افزایش یافته است. خارقانی با اشاره به سرمایه گذاری گسترده در صنایع گردشگری ایران گفت: قابلیتهای توریسم ایران تا ۱۰ سال دیگر به جذب پنج میلیون گردشگر منجر خواهد شد.

باستان شناسان به شهر دقیانوس می روند

محوطه باستانی شهر دقیانوس در استان کرمان با هدف شناسایی بافت شهری، معماری، گاهنگاری و تاریخ زیست یکی از مهم ترین کلان شهرهای دوران اسلامی در جنوب شرقی ایران و در حوزه فرهنگی جازموریان مورد کاوش باستان شناسی قرار می گیرد. شهر دقیانوس در حقیقت نام قدیم شهر جیرفت است که تنها به سبب قدمت دقیانوس نامیده می شود. به گزارش واحد اطلاع رسانی سازمان میراث فرهنگی کشور، حوزه فرهنگی جازموریان از نظر پژوهشهای باستان شناسی و تاریخی در اطلس جغرافیای فرهنگی ایران نقش مهمی داشته و از جایگاه ویژه ای برخوردار است به گونه ای که همپایه فرهنگهای خوزستان - شوش و فرهنگهای میان رودان (بین النهرین) و هند می باشد. به گفته خانم دکتر حمیده چوبک، سرپرست گروه باستان شناسی، حوزه فرهنگی جازموریان، تلاقی گاه سه استان کرمان، بلوچستان و هرمزگان است که از شمال به کوههای بارز، از جنوب به کوههای بشاگرد، از غرب به کوههای البرز و از شرق به کوههای مکران محدود می شود. همچنین رود بمپور در شرق و هلیل رود در غرب همراه با رودهای فصلی که همگی به هامون جازموریان سرازیرند آن را سیراب می کنند. این رودها و جغرافیای ویژه با بخشهای میان کوهی و دشت، شرایط مناسبی را برای پدید آمدن زیستگاههایی از دوران پارینه سنگی تا دوران اسلامی فراهم آوردند و به سان یک گذرگاه و راهروی طبیعی بین هند، میان رودان و دریا بوده اند. گفتنی است، از سال ۱۳۷۷ بخشهایی از این محوطه باستانی مورد کاوش و پژوهش قرار گرفت و اکنون هیات باستان شناسی شهر دقیانوس امیدوار است با حضور در این منطقه و انجام بررسی، کاوش و پژوهش در بخشهای مختلف این شهر کهن بتواند ارزشهای فرهنگی آن را معرفی کند.

هنرمندان ایرانی پس از ۲۵ سال به ونیز می روند

برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی، کشور ایران در جشنواره هنرهای تجسمی ونیز شرکت خواهد کرد. سعید الهی مدیر روابط عمومی موزه هنرهای معاصر در گفتگو با خبرنگار ایسنا ضمن اعلام این مطلب گفت: چهار تن از هنرمندان ایرانی شامل عباس کیارستمی، حسین خسروجردی، پیروزدارش و احمد نادعلیان از سوی شورای بین الملل موزه هنرهای معاصر انتخاب شده و در تیرسال آینده برای شرکت در پنجاهمین جشنواره ونیز به ایتالیا اعزام خواهند شد. وی افزود: جشنواره ونیز، بزرگترین بی نال هنری دنیا و اجتماع بزرگی از هنرمندان فعال در زمینه هنرهای تجسمی است که هر دو سال یک بار برگزار می شود. کیارستمی با اثری در زمینه فتوآپ، خسروجردی با اثری در زمینه هنر دیجیتال

عامل بیماریزایی مواد غذایی فرآورده های خاصی هستند که در اثر واکنشهای متقابل میان قند، چربی و پروتئینها ساخته می شوند و وقتی غذا درحرارت بالا طیخ می شود بیه سرعت بیه وجود می آیند. این ترکیبات به طور خودبخود در اثر واکنشهای گلوکز در بدن تشکیل می شوند. هرچه میزان گلوکز بیشتر باشد میزان این فرآورده ها نیز بیشتر خواهد بود. در بدن دیابتی ها مقدار این ترکیبات بسیار سمی بسیار زیاد است. پژوهشگران می گویند این ترکیبات می توانند سلولها را تحریک و آنها را وادار به تولید پروتئین های التهابی کنند. افزایش مواد شیمیایی التهابی در خون با پیشرفت بیماری قلبی و صدمات ناشی از دیابت مانند نابینایی، آسیب عصبی و آسیب به اندامهایی مانند کلیه مرتبط است.

حتی انتظار یک رویداد شادی بخش برای سلامتی مفید است

دانشمندان می گویند خندیدن بهترین دارو است و حتی انتظار یک رویداد شادی بخش می تواند دستگاه ایمنی بدن را تقویت کند و از فشار روانی بکاهد. صرف پیش بینی یک رویداد شاد و خوشحال کننده می تواند میزان آندورفین و دیگر هورمونهایی را که باعث ایجاد لذت و آرامش می شوند، افزایش دهد و از ترشح هورمون های استرس بکاهد. سرپرست این مطالعه نشان می دهد انسان حتی اگر اطلاع پیدا کند که در روزهای آینده یک رویداد مثبت و شادی بخش اتفاق خواهد افتاد، در خون او میزان هورمونهای استرس زا کاهش و میزان مواد شیمیایی آرامش بخش افزایش می یابد. پژوهشگران ۱۶ مرد را که به تماشای یک فیلم ویدیویی خنده دار علاقه مند بودند، بررسی کردند. به نیمی از این مردان از سه روز قبل گفتند که این فیلم در اختیارشان گذاشته خواهد شد. کسانی که از قبل می دانستند فیلم ویدیویی را می بینند، بلافاصله دچار تغییرات زیست شناختی شدند. موقع تماشای فیلم میزان هورمون استرس یعنی کورتیزول ۳۹ درصد کاهش یافت، میزان اپی نفرین یا آدرنالین ۷۰ درصد کاسته شد و میزان هورمون آندورفین ۲۷ درصد و هورمون رشد ۸۷ درصد افزایش یافت. وجود هورمون های رشد برای دستگاه ایمنی بدن بسیار مفید است. پیش بینی یک رویداد شادی بخش می تواند استرس را کاهش و دستگاه ایمنی بدن را تحریک کند. پژوهشگران قبلاً می دانستند تماشای یک فیلم خنده دار می تواند تغییرات سلامت بخشی را در میزان هورمونهای استرس و کاهش فشار خون ایجاد کند. در سال ۲۰۰۰ گروهی از پژوهشگران دانشگاه مرلند دریافتند که افراد شوخ طبع کمتر دچار حمله قلبی می شوند. اما این اولین بار است که نشان داده می شود انتظار یک تفریح، تأثیرات مشابهی بر جای می گذارد.

علامه دهخدا

آزادهی سخنور و داناست دهخدا فرزانه ای بزرگ و تواناست دهخدا
غواص بحر ژرف و ؟زان ناپدید علم استاد شعر فاخر و گیراست دهخدا
در نثر عامیانه و در طنز دلنشین بنیان گذار شیوه شیواست دهخدا
آثار و کارنامه او می دهد صلا ؟زاده ای سخنور و داناست دهخدا

حسن احمدی



یکی از شخصیت های برجسته و سرشناس علمی و فرهنگی ایران که از مفاخر کشور ما به شمار میرود علی اکبر دهخدا معروف به (علامه دهخدا) می باشد که تالیف پر ارزش او (فرهنگ دهخدا) یکی از مهمترین آثار فرهنگی در زبان فارسی است که خوشبختانه تمام مجلدات آن به چاپ رسیده و مورد استفاده محققین و دانشمندان و فرهنگیان و دانش پژوهان قرار دارد.

علامه دهخدا تنها یک شخصیت فرهنگی نبود بلکه از شروع مشروطیت در فعالیتهای سیاسی شرکت داشت، چه از طریق نوشتن مقالاتی با امضای (دخو) یا با امضای صریح خود دوشادوش مشروطه خواهان قرار داشت و با محمد علیشاه آن چنان جنگید که نزدیک بود نظیر همکارش میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل اعدام گردد. ولی با تقی زاده در سفارت انگلیس پناهنده گردید و سپس به اروپا فرستاده شد که به تکمیل معلومات خود پرداخت و با انتشار روزنامه در خارج از کشور با روش استبدادی محمد

که مردم مایل بودند در مورد آنها توصیه هایی دریافت کنند، مورد بررسی قرار داد و دریافت که سردرد، در بالاترین نقطه این فهرست قرار دارد. طبق این تحقیق، در آمریکا ۲۸ میلیون نفر به سردردهای ادواری میگرن مبتلا هستند و این افراد، ۱۸ درصد کل زنان و ۵/۶ درصد کل مردان آمریکایی را تشکیل می دهند. در نیمی از این افراد، مرض میگرن تشخیص داده نشده و یا درمان نشده است. در هر حال، توصیه پزشکان رشته های مختلف در مورد میگرن از این قرار است: در نخستین گام باید از داروهای ضدالتهاب غیراستروئیدی (NSAIDs) استفاده شود که مطمئن ترین آنها آسپیرین و ایبوپروفن است. این داروها بدون نسخه به فروش می رسند. در تحقیقات انجام شده، شواهدی که بر تأثیر استامینوفن بر رفع میگرن دلالت کند، دیده نشده است. تهیه کنندگان توصیه های اخیر می گویند مردم باید بدانند که همه مسکنها برای رفع میگرن مفید نیستند. اگر آسپیرین و ایبوپروفن روی بیمار تأثیر نکرد، پزشکان باید به سراغ داروهای مخصوص میگرن مانند تریپتانها بروند. اگر بیماران دچار حالت تهوع یا استفراغ باشند باید داروهای غیرخوراکی به کارگرفته شود. حالت تهوع و استفراغ را نیز باید به طور مستقیم درممانه درمان کرد.

افزادی که میگرنهای مکرر دارند باید برای درمانهای پیشگیرانه مورد ارزیابی قرار گیرند. معمولاً بیمارانی که دو مورد یا بیشتر سردرد در ماه دارند که هر بار سه روز یا بیشتر به طول می انجامد، کسانی که بیش از دو بار در هفته دارو مصرف می کنند و یا حالتهای غیرمعمول میگرنی مانند پیش علامتهای دیداری (اورا) دارند، مناسب ترین افراد برای درمانهای پیشگیرانه هستند. افراد مبتلا به میگرن باید فعالانه در تهیه برنامه درمانی خود شرکت داشته باشند. این افراد باید سردردهایشان را ثبت کنند و عواملی را که باعث تحریک سردرد آنان می شود، شناسایی و از آنها حذر کنند. در رهنمودهای مربوط به میگرن، الکل، شکلات، غذاهای محتوای مواد افزودنی (تیرامین یا نیتراها...)، کمبود خواب، اضطراب و فشار روحی و عطر به عنوان شایعترین محرکهای میگرن معرفی شده اند.

نوسان در درد ناشی از آرتروز در طول روز

براساس جدیدترین تحقیقات به عمل آمده، خشکی و درد ناشی از بیماری آرتروز با آهنگ و ریتم ساعت بدن هماهنگ است. پژوهشگران در تحقیق خود بر روی بیمارانی که در ناحیه دستان به بیماری استئوآرتریت مبتلا شده بودند در شش زمان خاص در طول روز، از هنگام بیداری تا هنگام خواب و هر چهار ساعت، درخصوص میزان درد و خشکی دست، سؤالاتی از بیماران به عمل آوردند. اکثر شرکت کنندگان در این تحقیق زنان بودند و متوسط سن آنان ۶۲ سال بود. هیچیک از آنان با استروئیدها درمان نشده بودند. محققان در طول ۱۰ روز که میزان خشکی و درد را اندازه گیری می کردند از شرکت کنندگان خواستند تا آزمایش مهارت های یدی را انجام دهند. این تحقیق روشن کرد که درد و خشکی همراه با ریتم شبانه روزی بدن تغییر می کند. برای ۷۵ درصد از شرکت کنندگان، درد و خشکی در صبح و وقت خواب، بیشترین مقدار و در وسط روز کمترین میزان بود. دانشمندان دریافتند میزان درد و خشکی بر آزمایش مهارت دست نیز تأثیر می گذارد به این معنا که در ساعت ۳ و ۴ دقیقه بعد از ظهر که کمترین درد وجود دارد کارایی شرکت کنندگان در بالاترین سطح است. پژوهشگران می گویند: این ارتباط بین آهنگ بدن و خشکی و درد آرتروز، همراه با تأثیر آزمایش مهارت دستی می تواند برای افراد مبتلا به آرتروز سودمند واقع شود. این افراد می توانند فعالیت های روزانه خود را براساس این یافته ها بهتر برنامه ریزی کنند. به گفته محققان، این یافته ها همچنین می تواند برای زمان بندی بهتر دارو درمانی مفید واقع شود.

راز سلامتی در پخت آرام مواد غذایی

پژوهشگران می گویند نحوه طبخ مواد غذایی و نه نوع آنها در بروز بیماری قلبی، دیابت و سایر بیماریها مؤثر است. تحقیق جدیدی نشان می دهد طبخ مواد غذایی در حرارت بالا به روشهای سرخ کردن، کباب کردن و حتی در مایکروفر باعث تشکیل ترکیباتی می شود که در بدن بسیار مضر است. پژوهشگران آمریکایی در نیویورک دریافته اند میزان این ترکیبات بیماریزا وقتی مواد غذایی با حرارت کم مانند آب پز کردن و بخارپز کردن تهیه می شوند، کمتر است. یک متخصص دیابت و سرپرست این مطالعه می گوید این یافته ها ضمن آنکه از اهمیت رژیم غذایی سالم کم چربی و کم شکر نمی کاهد، این موضوع را نیز توضیح می دهد که چرا برخی افراد با وجود رعایت دقیق این رژیمهای غذایی بازهم بیه دیابت و بیماری قلبی دچار می شوند.

را که بتوانم به او اظهار فقر خود را بکنم ندارم و اگر هم اظهار کنم مطمئن نیستم که همراهی کند.

معاون الدوله غفاری، دهخدا را با خود به اروپا برد و بیش از دو سال در اروپا و بیشتر در وین پایتخت اتریش اقامت داشت. در این مدت زبان فرانسه و معلومات جدید را تامل کرد. دهخدا در پاریس با علامه قزوینی معاشر بود. سپس به سویس رفت و در "ایوردن" سویس نیز سه شماره از صوراسرافیل را منتشر ساخت و از آنجا به استانبول رفت و با مساعدت تنی چند از ایرانیان، ده در ترکیه بودند روزنامه ای به نام "سروش" به زبان فارسی انتشار داد که حدود ۱۵ شماره منتشر شد. پس از آنکه مجاهدان تهران را فتح کردند و محمد علیشاه خلع گردید، دهخدا از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس شورایملی انتخاب شد و با استدعای احرار و سران مشروطیت از عثمانی به ایران باز آمد و به مجلس شورایملی رفت. در دوران جنگ بین الملل اول دهخدا در "ی از قراء" چهار محال بختیاری " منزوی شد و پس از جنگ به تهران بازگشت و از کارهای سیاسی کناره گرفت و به خدمات علمی و فرهنگی مشغول شد. روز ۱۵ بهمن سال ۱۳۱۳ که نخستین سنگ بنای دانشگاه تهران نصب شد و فعالیت دانشگاهی توسعه یافت اولین روسای دانشگاه چنین انتخاب شدند: علامه دهخدا رئیس دانشکده حقوق و دکتر عبدالحمید زنگنه معاون، دکتر محمد حسین لقمان ادهم (لقمان الدوله) رئیس دانشکده پزشکی و دکتر محمد حسین ادیب معاون، حاج سید نصرالله تقوی رئیس دانشکده معقول و منقول و دکتر بدیع الزمان فروزانفر معاون، دکتر محمود حسینی رئیس دانشکده فنی و دکتر عیسی صدیق رئیس دانشکده ادبیات و علوم و دانشسرایعالی.

دکتر محمد جعفر محبوب چنین می نویسد: علامه استاد علی اکبر دهخدا در سال ۱۲۵۸ شمسی چشم به جهان گشود، پدرش پیش از ولادت دهخدا به تهران آمده و در این شهر اقامت گزیده بود. دهخدا از تربیت و سرپرستی پدر بهره مندی نداشت. ده ساله بود که پدر را از دست داد و تحت نظارت مادر به تحصیل ادامه داد. نخستین مربی و معلم او یکی از فضلالی عصر به نام شیخ غلامحسین بروجردی بود که در مدرسه حاج شیخ هادی حجره داشت و مقدمات عربی و دانش های دینی را تدریس می کرد. دهخدا بارها گفته بود که هر چه دارد اثر تربیت و تعلیم آن بزرگ مرد است. در هنگام نوجوانی وی به مدرسه سیاسی که به مدیریت حسن پیرنیا (مشیر الدوله) اداره می شد رفت و مدتی کوتاه در سال آخر مدرسه تحصیل کرد. معلم ادبیات فارسی مدرسه محمد حسین فروغی (ذکاءالملک) بود و چون دهخدا در زبان و ادب فارسی دارای دستی قوی یافت گاه تدریس آن را بر عهده وی می نهاد. با آن که دهخدا در آن عصر هنوز بسیار جوان بود به واسطه همسایگی با حاج شیخ هادی نجم آبادی، روحانی روشن بین و بسیار دانشمند عصر بیدار وی می رفت و مانند طلاب سابقه دار از محضر از محضر او بهره مند می شد.

حاج شیخ هادی نجم آبادی مردی بسیار مستعد بود. زبانی سخنگو و حافظه ای قوی داشت تا به آن حد که معروف بود در رشته های مختلف علوم دینی هیچکس توانایی مباحثه با او را نداشت و در برابر وی تاب نمی آورد. گویند که وی سراسر شرایع الاسلام محقق حلی را که (قرآن الفقه) خوانده می شد از بر داشت و آن را تقریر و تدریس می کرد. در همین هنگام به تحصیل زبان فرانسه پرداخت و هنگامی که معاون الدوله غفاری به سفارت ایران در کشورهای بالکان منصوب شد، دهخدا را با خود به اروپا برد. استاد در آنجا زبان فرانسه و معلومات جدید خویش را تامل کرد. دوران شگفتگی دهخدا و فعالیتهای روزنامه نگاری، ادبی و سیاسی بی نظیر وی پس از بازگشت از این سفر بود. در آن هنگام میرزا قاسم خان تبریزی که بعد به صوراسرافیل معروف شد با همکاری میرزا جهانگیر خان شیرازی آهنگ انتشار روزنامه ای داشتند. دهخدا با این روزنامه همکاری خود را آغاز نهاد و در حقیقت مغز متفکر و مرکز اصلی و نویسنده مهم این روزنامه به شمار آمد. فعالیت های سیاسی دهخدا او را در ردیف دو تن دیگر قرار داد که محمد علیشاه آن سه تن را از هر کس دیگر در ایران دشمن تر می داشت و دو تن ایشان (میرزا جهانگیر خان و ملک المتکلمین) کشته شدند و دهخدا از این معرکه جان سالم بدر برد و به اروپا تبعید گردید و در آنجا نیز با کمک معاضد السلطنه پیرنیا دو سه شماره دیگر از صوراسرافیل را در قصبه "ایوردون" سویس انتشار داد.

مدتی کوتاه پس از برچیده شدن بساط استبداد صغیر و بازگشت دهخدا از تبعید، وی از فعالیت سیاسی کناره گرفت و باقی زندگی پر برکت خود را صرف خدمت های فرهنگی کرد. حاصل این فعالیت شبانه روزی وی که تا آرمیدن وی در بستر مرگ ادامه یافت لغت نامه و امثال و حکم است که هر دو از آثار جاودان زبان فارسی است. درباره لغت نامه که فقط کار تنظیم و چاپ آن بیش از سی و پنج سال متوالی و بی وقفه بطول انجامید کافی است گفته شود که آن را در عظمت و ارزش فرهنگی با شاهنامه استاد طوس برابر نهاده اند. شهادت علامه محمد قزوینی درباره لغت نامه در این باره گواهی راستین و حجتی قاطع است. قزوینی

علیشاه مبارزه کرد. پس از مراجعت به ایران در کنار تقی زاده قرار داشت و از کرمان به نمایندگی مجلس انتخاب گردید.

سالیان دراز گرد سیاست نگشت و به کار مطالعاتی و فرهنگی اشتغال داشت تا اینکه در دولت دکتر مصدق به یاری او شتافت. در جریان ۲۵ مرداد وقتی شاه از کشور خارج گردید و دکتر مصدق می خواست رژیم سلطنتی ایران با تشکیل شورای سلطنت حفظ شود، علامه دهخدا را برای ریاست شورای سلطنتی دعوت نمود، ولی چون اوضاع تغییر کرد این کار صورت نگرفت.

علامه دهخدا بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ مورد تعقیب قرار گرفت. او از جوانی عشق به کارهای سیاسی داشت. پدر دهخدا (خانباخان) نام داشت که از مالکین قزوین بود و دهخدا در سال ۱۲۵۸ شمسی در قزوین تولد یافت. او از شاگردان غلامحسین بروجردی بود که علوم دینی و زبان عربی را نزد او فرا گرفت. هنگام افتتاح مدرسه علوم سیاسی در آنجا به تحصیل پرداخت و پدر فروغی معلم ادبیات او بود و در آنجا به زبان فرانسه آشنا شد و دو سال هم در اروپا به فراگرفتن زبان فرانسه اشتغال یافت.

پس از کناره گیری از سیاست به چهارمحال بختیاری رفت و شروع به تالیف لغت نامه فارسی نمود و تا آخر عمر به تدوین این گنجینه گرانبها اشتغال داشت. مدتی هم ریاست مدرسه حقوق و علوم سیاسی به او سپرده شده بود. تا کنون ۲۰۴ جلد از لغت نامه دهخدا با ۲۱۴۰۰ صفحه چاپ شده که ۲۲ جلد در زمان حیات خودش و ۱۰۲ جلد در زمان دکتر محمد معین و ۸۰ جلد توسط جعفر شهیدی به زیر چاپ رفت و در سالهای اخیر نیز تجدید چاپ شد. از نزدیکترین یاران و دوستان و همکاران او علامه محمد قزوینی بود که مدت ۳۶ سال در اروپا بسر برده و به کار تحقیق و نویسندگی پرداخت. دهخدا همیشه می گفت (هرگز کسی را در امانت داری و حفظ حرمت ادب و محققین و وسواس در کار تحقیق چون علامه قزوینی ندیدم). علامه قزوینی بیشتر کارهای تحقیقی خود را با تقی زاده در میان می گذاشت و مشاوره با او را ضروری می دانست. دوستان نزدیک این دو محقق عالیمقام ایرانی: دکتر قاسم غنی - ذکاءالملک فروغی - استاد پور داود - محمد علی جمال زاده - دکتر فروزانفر - حبیب یغمائی - استاد جلال همایی و اقبال آشتیانی بودند و کسانی نظیر احمد کسروی - سعید نفیسی - دکتر معین و مجتبی مینوی که خود از محققین و دانشمندان معاصر بودند به شاگردی این دو علامه افتخار می کردند.

وقتی دکتر مصدق از دادگاه لاهه بازگشت و با انتشار اوراق قرضه از مردم کمک خواست، علامه دهخدا برای او نوشت (مبلغ ده هزار تومان برای مصارف ملی بلاعوض تقدیم داشتم. این آخرین چیز است که از مال دنیا دارم و از کوچکی آن شرمسارم). می توان گفت در میان اندیشمندان معاصر ایران علامه دهخدا جلوه فروزنده ای داشت و باید او را بزرگمرد فرهنگ نوین ایران خواند. او سرشار از عشق به فرهنگ وطن بود و نامی بلند در میان دانشمندان ایرانی داشت که آثار ابدا و جاویدان از خود به یادگار گذاشته است.

دهخدا به امور مالی بی اعتنا بود. وقتی؟ تاب امثال و ح؟م او انتشار یافت و پر فروش گردید، در آمد آن را وقف چاپ کتب مفید کرده بود که به تصویب کمیسیون فرهنگ برسد. زندگی دهخدا همواره با انتشار روزنامه و کتاب توأم بوده است. روزنامه سروش را در باکو و تغلیس و استانبول و فرانسه و سویس حتی برای چند شماره منتشر می ساخت. سازمان یونسکو یکصدمین سال تولد او را جشن گرفت و همین امر نشان می دهد که مقامات علمی و فرهنگی جهان تا چه حد خدمات او را ارج می نهند.

هنگامی که دهخدا در جوانی به اروپا تبعید گردید وضع زندگی او چنان سخت شده بود که قصد انتحار داشت و این نامه از او انتشار یافته است: سه ماه است از تهران و ایران اخراج کرده اند و به این گوشه دنیا پناه برده ام، الان بستگان من در تهران در دست حوادث ... روزگارشان در خوف، جا و نان هم ندارند و خبری هم ازشان ندارم و نمی خواهم که خبری داشته باشم ... قصد خودکشی در این یک ماه اخیر مرا واداشت که کم کم حَب همه چیز و همه کس را از خاطر دور کنم برای اینکه حاضر تر به مرگ باشم ... در هر حال یک هفته ای است که به این فکر افتاده ام که با آخرین کوششهای خود بلکه بتوانم قدری مدت زندگی خود را طول داده و باز بار گران مادر و خواهرم را تخفیف بدهم. بعد از اینکه همه دنیا را با پای خیال به هم زده ام خیالم بر این قوت گرفته که استانبول بروم و در آنجا به روزنامه نگاری یا به شاگردی یک تجارتخانه یا حمالی و یا عملگی، دنباله حیات خود را امتداد بدهم و ننگ خودکشی و گریختن از زیر بار تکلیف و مسئولیت طبیعی را قبول نکنم. علت اینکه به استانبول می روم برای این است که آنجا تجار ایرانی خیلی است و گذشته از این، کار همه قسم زیاد و زندگی ارزان، و خاصه که من برای هر قسم زندگی مهیا و مستعد شده ام. اما اجرای این خیال هم بسته به تحصیل یک مقدار وجوهی است که قرض خود را در اینجا بپردازم و به قدر مسافرت تا آنجا هم داشته باشم. امروز در تمام دنیا یک نفر

امثال و حکم

مطالب این بخش از کتاب "ریشه های تاریخی امثال و حکم" تألیف زنده یاد مهدی پرتوی آملی گرفته شده است.

مقدمه مؤلف

کتاب حاضر نتیجه بیست و پنج سال اهتمام و مجاهده است. کتب و دواوین زیادی را مطالعه کرده ام. از هر کسی که گمان می رفت علم و اطلاع از امثال و حکم داشته باشد، ریشه تاریخی و منابع و مآخذ آن را پرسش کرده ام. خلاصه به هر دری زدم و از هر ندایی بهره برده ام تا این "ران ملخ" بدست آمد.

راجع به امثال و حکم کتب متعددی نوشته شده و پژوهشگران دانشمندی چون علامه فقید علی اکبر دهخدا، محمدعلی جمالزاده، شادروان صادق هدایت، زنده یاد امیرقلی امینی و ... رنج فراوان برده و هر یک در پیرامون امثله سائره حقاً بحثی مفید و مستوفی کرده اند که در خور ستایش و تحسین می باشد. النهایه فرقی و اختلافی که بین این کتاب و آثار دانشمندان نامبرده وجود دارد اینست که در کتب مدون موجود آنان، بیشتر به مورد اصطلاح و به کار بردن آن پرداخته شده است. در حالی که کتاب حاضر شامل امثال و حکمی است که ریشه تاریخی دارند و صحت و واقعیت علل تسمیه و شأن نزول آنها از مرحله روایت به درایت رسیده است. در واقع منظور نگارنده این کتاب جمع آوری امثال و حکم مستند و ریشه های تاریخی آنها بوده است؛ لاغیر.

به یاد ادیب و محقق مازندرانی پرتوی آملی

معلم فقید مهدی پرتوی آملی، فرزند برومند آمل، چشم و چراغ فرهنگ مازندران - ریشه یاب حکم و امثال زبان شیرین فارسی، گردآورنده فرهنگ عوام آمل و گزیده های تاریخ، معلمی دانادل و دلسوز که از آغاز جوانی تا آستانه بازنشستگی در ساری، بابل، آمل، گیلان و تهران در کار تعلیم و تربیت و تا واپسین دم حیات در کار تحریر و تألیف بود. چند سال هم با سمت رایزن فرهنگی و معاونت سرپرست مدارس ایرانی، عراق در بغداد و نجف اشرف و دیگر شهرها و عتبات عالیات با همت بلند و ذوق سرشار هموطنان خود را در آن دیار نیز از برکات دانش و حکمت بهره مند می ساخت. در آخرین روزهای خرداد امسال (۱۳۶۸ خورشیدی) در جوار رحمت حق آرامید و چراغ عمر پر فروغ او خاموش شد.

حاصل عمر پر ثمر او تربیت هزاران نفر پزشک، مهندس، دبیر و قاضی و افراد تحصیل کرده دیگر است که در مازندران و تهران و سایر نقاط کشور در خدمت جامعه قرار دارند.

تألیفات پر بار او نیز هدیه این مرد ادیب و فرزانه است به گنجینه غنی و گرانقدر فرهنگ و ادب ایران.

ستون به ستون فرج است

بشر به امید زنده است و در سایه آن هر ناملایمی را تحمل می کند. نو امید و خوشبینی در همه جا میدرخشد و آوای دل انگیز آن در تمام گوشها طنین انداز است: «مأیوس نشوید و به زندگی امیدوار باشید.»

مفهوم این جمله را عوام الناس و اکثریت افراد کشور در تلو عباراتی

دیگر زمزمه می کنند: «مگر دنیا را چه دیدی؟ ستون به ستون فرج است.»

اکنون به ریشه داستانی و همچنین ریشه تاریخی ضرب المثل بالا می پردازیم.

در این باب در مقدمه تاریخ عصر حافظ اثر دکتر غنی نوشته است: دوست دانشمند ما دهخدا که قریب سی سال است بدون فتور مشغول جمع آوری مواد فرهنگ جامعی هستند برای زبان فارسی با شواهد کثیره بسیار مفصل و متنوع مبسوطی برای هر یک از معانی حقیقی یا مجازی هر کلمه، و تا کنون متجاوز از یک میلیون ورقه یادداشت در این خصوص جمع کرده اند و اگر انشاءالله اسباب مساعدت نماید و این مسودات خارج از حد احصاء مرتب شده به پاک نویس مبدل گردد، بزرگترین و جامع ترین و نفیس ترین فرهنگی از آن عمل خواهد آمد که بعد از اسلام تا کنون برای زبان فارسی فراهم آورده شده است و گویا متجاوز از صد هزار بیت شعر ... از اغلب دواوین شعرای مشهور و غیر مشهور برای این فرهنگ عجیب جمع کرده اند. اما کار دهخدا در جمع آوری مواد این فرهنگ تا روز درگذشت او در هفتم اسفند ماه ۱۳۳۴ ادامه یافت و از آن پس به دست همکاران وی، نخست دکتر محمد معین و پس از درگذشت غم انگیز وی به دکتر سید محمد جعفر شهیدی سپرده شد و واپسین صفحات لغت نامه از چاپ بیرون آمد.

روزنامه کیهان چاپ لندن درباره دهخدا چنین نوشت: دهخدا پس از سالها کار پیگیر، یکی از غنی ترین لغت نامه ها را به وجود آورد. ضرب المثل های پراکنده فارسی را با دقت و ممارست تمام گرد آورد و در چهار جلد زیر عنوان "امثال و حکم" انتشار داد. فرهنگ فرانسه به فارسی را نوشت، دیوان شاعران برجسته ای چون ناصر خسرو، مسعود سعد، منوچهری، سوزنی و ابن یمن را تصحیح و تفسیح کرد. در اندیشه های ابوریحان بیرونی به پژوهش پرداخت و حاصلش را در کتابی منتشر ساخت. و نیز آثاری از نویسندگان اندیشمندان اروپایی به فارسی برگردانید و از این دست کارهای بسیار دیگر ... ولی مهمتر از همه آن چه گفتیم، دهخدا با همه مشغولیتهای خالص فرهنگی لحظه ای از مبارزه با استبداد و همزادش واپسگرایی باز نایستاد. مقالات؟ وینده و آتشین دهخدا در هفته نامه "صوراسرافیل" لزره بر اندام خود کامگان و یاران آنان می انداخت و واپسگرایان از سوی دیگر به فریاد و فغان و تهدید و تکفیر و امیداشت. روزنامه برای او از جان عزیزتر بود. روزنامه بود که فریاد او را از نابسامانی ها، خشک اندیشی ها و یکه تازی ها، باز می تابانید. هنگامی که پس از بمباران مجلس، به پاریس و بعد به سویس رفت، لحظه ای از اندیشه "قلم و روزنامه" رهایی نیافت و در تنهایی و فقر و غربت انتشار صوراسرافیل را از سر گرفت. به قول "ایرج افشار" "در کشورهای بیگانه از گرسنگی نهراسید و از ناملایمات نشکوهید و از تلاش و کوشش تن نزد ... و با یاری علامه محمد قزوینی و کمک های مادی و معنوی معاضدالسلطنه پیرنیا (آن را) با همان قطع و سبک و روش ... به چاپ رسانید ..." با انتشار شماره سوم در غربت دشواری های مالی، دهخدا را از پای در آورد و صوراسرافیل خاموش شد. ولی مگر عشق او به قلم و روزنامه پایان می گرفت؟ به استنبول که رفت، روزنامه دیگری را به نام سروش بر پا کرد، که آن نیز بیش از ۱۵ شماره نپایید. پس از فروپاشی استبداد صغیر، دهخدا، به ایران بازگشت و از سوی مردم شاید خالص ترین مجلس مردمی به نمایندگی رفت. دهخدا در تمامی مقالات جدی و طنز آمیز خود گرفتاری ها و دردها و نابسامانی های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه را پیش می کشد و آنها را زیر ذره بین می برد. جهل و نادانی اعتیادات، خرافه ها، زور و ستم خان ها و مالکان، خیانت های بزرگان. ولی لبه تیز حمله او همیشه به سوی دو سر چشمه اصلی همه بدبختی های جامعه بر میگردد: خودکامگی و واپسگرایی، که هر یک پشتیبان آن دیگری نیز هست. چرا که اگر آن یک نباشد، این یک نیز از میان بر می خیزد. دهخدا و یارانش البته پیش از پای نهادن در این راه پر خطر، تکلیف خود و دشمنان را روشن ساخته بودند. علامه دهخدا در بیوگرافی خود چنین می نویسد: پدر من خانباخان پسر آقا خان که او هم پسر مهر علی خان است، که سپاهی بوده و سمت سر رشته داری داشته و از او شمشیرها و چند عدد نیزه و خنجر با دسته های عاج و پیراهنی که دو بار تمام آیات قرآنی در پشت و روی آن نوشته شده بر جای مانده است. پدر من از زن اول فرزندی نداشت. در سن کهولت مادر مرا به زنی گرفت که من و برادرانم یحیی خان و ابراهیم خان و خواهرم از این ازدواج می باشیم. پدرم دو ده خود را در قزوین فروخت و به تهران آمد و در سنگلج اقامت گزید و در ۹ سالگی من پدرم درگذشت و مادرم مرا در کنف تربیت خود گرفت. در حجره های مختلف علوم قدیم را فرا گرفتیم. معلمین من شیخ غلامحسین بروجردی و شیخ هادی نجم آبادی بودند.

وصیت نامه علامه دهخدا: به ورثه خود وصیت می کنم که تمام فیش های چاپ نشده لغت نامه را که ظاهراً بیش از یک میلیون است و از الف تا یاء نوشته شده و یقیناً یک کلمه دیگر بر آن نمی توان افزود به عزیزترین دوست من آقای دکتر محمد معین بدهند که مثل سابق به چاپ برسد و این زحمتی است جانکاه که اقلاً معادل نصف تألیف است.

۴ آبان ۱۳۳۴ - علی اکبر دهخدا

نگاهی به جغرافیای تاریخی و تاریخ آرتساخ (بخش ۶)

ا.گرمایک

رویدادهای آرتساخ (قرباغ) در سالهای ۱۹۲۳-۱۹۱۷

ارمنیان آرتساخ به تدریج به این عقیده و نتیجه می‌رسند که نباید ساده لوح بود و قولهای انگلیسیان را باور کرد و امید به آنها بست. در اول فوریه ۱۹۱۹، ماناس پاتاشیان اهل روستای هوراتاغ جرابرد به شورای ملی ارمنی آرتساخ می‌نویسد که پس از ورود نمایندگان متفقین به جوانشیر به نظر می‌رسید که اوضاع محلی بهبود خواهد یافت و صلح برقرار می‌شود، لیکن رویدادهای چند روز اخیر نشان داد که "یک دست شیطنی" بین دو ملت بدر نفاق می‌پاشد و از رویدادهای خونین جلوگیری به عمل نمی‌آورد" و پس از ورود انگلیسیان، قتل و چپاول و تعقیب و اذیت در جوانشیر از سر گرفته شده است.^۱

گام ضد ارمنی بعدی انگلیسیان، انتصاب خسرو بیگ سلطائف عضو حزب مساوات و سازمانده کلیه حملات و حشیانه اراذل بر علیه آرتساخ، به عنوان فرماندار کل مناطق شوشی، زانگزور، جوانشیر و جبرائیل یعنی نواحی ارمنی جنوب شرقی استان الیزابت پل قبلی، توسط ژنرال تامسون به تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۱۹ بود. او روز دهم فوریه وارد شوشی شد. هدف اصلی او غلبه بر نیروی مقاومت آرتساخ به کمک قهر و زور بود. نمایندگی انگلیس با چنگ و دندان از اقدامات استاندار نو رسیده حمایت می‌کرد و به هر نحو به او کمک می‌رساند. فرماندهی انگلیس اعلامیه‌ای منتشر کرد که در آن آمده بود، همه فرمان‌های صادر شده از سوی استاندار کل باید بدون بروبرگرد اجرا گردند و هر گونه "مقاومت اهالی قاطعانه در هم شکسته خواهد شد". دو ماه بعد، در سوم ماه آوریل در نامه رسمی فرماندهی انگلیس که به امضاء سرهنگ د. شاتلورث فرمانده ارتش انگلیس در باکو که جانشین ژنرال تامسون شده بود، رسید، آشکارا گفته می‌شد که همه فرمان‌ها و مقررات استاندار انتصابی خود از سوی فرماندهی انگلیس مورد حمایت قرار خواهد گرفت.^۲

ورود سلطائف به شوشی با برگزاری چهارمین کنگره ارمنیان آرتساخ که در روزهای ۲۱-۱۲ فوریه ۱۹۱۹ برگزار شد، مصادف گردید. این کنگره قاطعانه به دولت آذربایجان اعتراض نمود که هنوز هم آرتساخ را جزئی از قلمرو خود می‌داند. این کنگره به انتصاب سلطائف به عنوان استاندار کل نیز اعتراض کرد.^۳

پس از برگزاری این کنگره جو سیاسی ارمنیان آرتساخ بسیار متشنج شد. فرماندهی انگلیس مصرأ از سلطائف می‌خواست در اسرع وقت آرتساخ را به تابعیت آذربایجان در آورد و به همین علت نیز وی نیروهای بیشتری دریافت می‌کرد و حلقه محاصره آرتساخ را تنگ تر می‌ساخت. سلطائف در نامه‌ای که به تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۱۹ برای دولت خود ارسال کرد طرح مطیع ساختن ارمنیان آرتساخ را تشریح نمود و اجرای آن را منوط به "تاثیر و نفوذ انگلیسیان" می‌دانست. او اطمینان می‌داد که قادر است به امید کمک‌های انگلیس "ارمنیان را وادار به شناسایی حکومت آذربایجان نماید و رهبران ارمنی را دستگیر و تبعید کند".^۴ در نامه دیگری که به تاریخ ۱۴ مارس از طرف استانداری برای سرگرد مونک میزون رئیس نمایندگی انگلیس در شوشی ارسال شده بود درباره عقب نشینی و دور کردن آندرانیک از مرزهای آرتساخ ظرف دو هفته، انحلال سریع شورای ملی ارمنی و تبعید روشنفکران تراز اول از آرتساخ صحبت می‌شد. رئیس نمایندگی انگلیس خطاب به شورای ملی آرتساخ، از آنان درخواست می‌کرد تحت تابعیت حکومت آذربایجان قرار گیرند.^۵ او تهدید می‌کرد در غیر اینصورت با توسل به زور مقاومت ارمنیان "قاطعانه در هم شکسته خواهد شد".^۶

شورای ملی ارمنی آرتساخ پس از بررسی تهدیدات انگلیسیان، پاسخ داد که قرباغ نمی‌تواند انتصاب نماینده حکومت مساواتها را بپذیرد و "قرباغ ارمنی... به سراسر جهان اطلاع داده است که حضور حکومت آذربایجان را در

در مورد ریشه و علت تسمیه ضرب المثل بالا اقوال مختلف وجود دارد که از مجموعه تمام آن گفته‌ها در کتب امثله و اصطلاحات موجود، این حکایت یا داستان فی الجمله استنتاج می‌شود:

می‌گویند در ازمنه گذشته، جوان بیگانه‌ای به اعدام محکوم شده بود زیرا تمام امارات و قراین ظاهری بر ارتکاب جرم و جنایت او حکایت می‌کرد.

جوان را به سیاستگاه بردند و به ستونی بستند تا حکم اعدام را اجرا کنند. حسب معمول به او پیشنهاد کردند که در این واپسین دقیق عمر خود اگر تقاضایی داشته باشد در حدود امکان برآورده خواهد شد.

محکوم بی گناه که از همه طرف راه خلاصی را مسدود دید، نگاهی به اطراف و جوانب کرد و گفت: "اگر برای شما مانعی نداشته باشد مرا به آن ستون مقابل ببندید." درخواستش را اجابت کردند و گفتند: "آیا تقاضای دیگری نداری." جوان بی گناه پس از لختی سکوت و تأمل جواب داد:

"میدانم که زحمت شما زیاد می‌شود ولی میل دارم مرا از این ستون باز کنید و به ستون دیگر ببندید." عمله سیاست که تاکنون مسئول و تقاضایی به این شکل و صورت ندیده و نشنیده بودند، از طرز و نحوه درخواست جوان محکوم دچار حیرت شده، پرسیدند: "انتقال از ستونی به ستون دیگر

جز آنکه اجرای حکم را چند دقیقه به تأخیر اندازد چه نفعی به حال تو دارد؟" محکوم بی گناه که هنوز بارقه امید در چشمانش میدرخشید، سربلند کرد و گفت: "دنیا را چه دیدی؟ ستون به ستون فرج است."

مجدداً عمله سیاست برای انجام آخرین درخواستش دست بکار شدند

که بر حسب اتفاق یا تصادف یا هر طور دیگر که محاسبه کنیم، در خلال همان چند دقیقه از دور فریادی به گوش رسید که: "دست نگهدارید،

دست نگهدارید، قاتل دستگیر شد." و به این ترتیب جوان بی گناه از مرگ حتمی نجات یافت.

اما چون بنای این کتاب بر ریشه تاریخی و مستند امثال و حکم نهاده

شده و امثله و اصطلاحات غیر مستند در کتب قصص و داستانهای امثال مبسوطاً آمده است، لذا به تحقیق و تفحص از افراد مطلع و بررسی کتب تاریخی پرداختم تا چنانچه ضرب المثل بالا فی الواقع ریشه تاریخی ندارد و صرفاً به هیم داستان مشروحه بالا ختم می‌شود از ذکر آن خودداری کنیم.

خوشبختانه اخیراً با دوست و همشهری دانشمند آقای حسن حسن زاده آملی که در مقالات برج زهرمار و دروغ شاخدار و چند جای دیگر در همین کتاب از محامد و فضایلش اجمالاً بحثی شد، اتفاق ملاقات افتاده، بشارت دادند که این عبارت مثلی ریشه تاریخی دارد و با قبول زحمت عین مطلب را در تلو عبارات سلیس و روان از کتاب عربی تاریخ یعقوبی ترجمه فرموده و برای نگارنده ارسال داشتند.

^۱: آرشیو دولتی مرکزی اسناد سازمان‌های سیاسی و اجتماعی جمهوری ارمنستان، (از این

پس آرشیو سازمان‌ها). ۴۰۳۳، ۵، ۴۲۵، شماره ۱.

^۲: آرشیو دولتی، قایل ۲۰۰، لیست ۱ دفتر ۲۴۳، سند شماره ۱۰۱، نیز "مشاک"، ۱۰ مارس ۱۹۱۹.

^۳: همانجا، ۲۴۴، شماره ۴.

^۴: همانجا، ۲۴۳، شماره ۲۸، سند ۵.

^۵: آرشیو سازمان‌ها، ۴۰۰۳، ۵، ۴۲۹، شماره ۴-۲.

^۶: همانجا، ۴۲۲، شماره ۹-۸.

^۷: آرشیو دولتی، ۲۵۲، ۱، ۴، شماره ۵-۴.

^۸: همانجا، ۲۰۱، ۱، ۴۱، ۱۲.

ژنرال را کلاً نابود سازد. آندرانیک نیز پیشنهاد آنان را رد کرد. سپاه او روز دوم آوریل از روستائیان افتخار آفرین آنگاکوت خداحافظی کرده راهی اچمیادزین گردید. در واقع هم زانگور و هم آرتساخ بدون آندرانیک یقیم شدند.^{۱۴}

عزیمت آندرانیک از سیونیک، آرتساخ را در وضعیت وخیمی قرار داد اما اهالی آرتساخ امید خود را از دست نمی‌دادند و مقاومت جسورانه خود را به نام آزادی و تنازع بقاء خود در برابر اشغالگران انگلیسی - مساوات ادامه می‌دادند. آذربایجان مساواتی و کارگزار آن سلطنت از سیاست خود مبنی بر اشغال آرتساخ صرف نظر نمی‌کردند. سلطنت با حمایت و کمکهای مستقیم دژخیمان ترک و امپریالیستهای انگلیسی در تدارک "حمام خون" در سرزمین آرتساخ بود. واهان اسقف قراباغ و بهادریان عضو شورای ملی ارمنی در این باره تاسوسون را آگاه می‌سازند و بنا به درخواست تاسوسون در تاریخ ۲۶ مارس هیئتی از آرتساخ راهی باکو می‌شود و با سرهنگ شاتلورث ملاقات می‌کند. بد نیست به یادداشت‌های مذاکرات بین آسلان شاهنازاریان رئیس شورای ملی آرتساخ و گراسیم ملیک شاهنازاریان شهردار شوشی با شاتلورث بپردازیم. رئیس شورای ملی در پاسخ به این پرسش سرهنگ انگلیسی که قصد ارمنیان قراباغ چیست صریحاً چنین اظهار می‌دارد: "قصد و مقصد نهایی ارمنستان است زیرا که وجوه مشترک کامل وجود دارد". گراسیم شاهنازاریان شهردار در برابر اصرار شاتلورث مبنی بر تبعیت از آذربایجان پاسخ می‌دهد که دولت آذربایجان حتی قادر نیست نظم را در خانه خود برقرار کند چه رسد به برقراری نظم در قراباغ. سرهنگ سعی می‌کند از موضع قدرت سخن بگوید: "مقاومت و ضدیت با آذربایجان و استاندار کل آن ضدیت با انگلیس است. ما آنقدر نیرومندیم که می‌توانیم شما را مجبور به اطاعت کنیم". شهردار قاطعانه پاسخ می‌دهد که دروازه‌های قراباغ به روی آذربایجان بسته خواهند بود و حکومت مزبور هرگز پذیرفته نمی‌شود.^{۱۵}

پس از مدتی در نیمه دوم آوریل، شاتلورث وارد آرتساخ می‌شود و از شورای ملی ارمنی درخواست می‌کند با حضور او مسئله پذیرش سلطه آذربایجان مساواتی حل و فصل گردد. کنگره جدید پنجم ارمنیان قراباغ در روزهای ۲۹-۲۳ ماه آوریل بطور اضطراری تشکیل می‌گردد. شاتلورث و سلطنت در یکی از جلسات شرکت می‌کنند و شاتلورث چه در سخنرانی خود در جلسه مذکور و چه در نامه‌ای که به تاسوسون می‌نویسد تلاش می‌کند نقطه نظرات استعماری انگلیس را مطرح سازد. به هر حال، نمایندگان ارمنی آرتساخ به این امر تشویق نمی‌شوند. نمایندگان طی سخنرانی‌های غضبناک خود تأکید می‌کنند که آرتساخ با موقعیت جغرافیایی خود از نقطه نظر قومی و ملی بطور تاریخی بخش جدایی ناپذیر ارمنستان است و نمی‌توان درباره تابعیت از آذربایجان سخن گفت. کنگره "پذیرش هرگونه ارتباط اداری و حکومتی با آذربایجان را غیر ممکن می‌داند". کنگره برای بار دوم به درخواست شاتلورث پاسخ منفی می‌دهد و به نظر خود مبنی بر عدم خیانت به "اراده تزلزل ناپذیر ارمنیان سراسر قراباغ" اصرار می‌ورزد. در قطعنامه‌ای که به امضاء ۴۸ تن از نمایندگان کنگره رسیده بود آمده است که درخواست مطرح شده با "خواستها و منافع حیاتی مردم ارمنی قراباغ که نمایندگان خود را به کنگره گسیل داشته‌اند مطابقت ندارد".

این یک واقعیت و حقیقت تاریخی است. در حالی که برخی از نویسندگان همه این مطالب را وارونه جلوه می‌دهند. جمال بهادر اوغلی قلی اف در مقاله خود تحت عنوان "شبه‌ای از تاریخ تشکیل ناحیه خود مختار قراباغ کوهستانی" با استناد به سطرهایی از گزارش آناستاس میکویان خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه در تاریخ ۲۲ مه ۱۹۱۹ که در آن آمده است "روستائیان ارمنی قراباغ در کنگره پنجم خود تصمیم گرفته است تا حکومت آذربایجان شوروی را به رسمیت بشناسد و به آن ملحق گردد" (جالب است که در سال ۱۹۱۹ در مورد کدام آذربایجان شوروی می‌توانستند سخن بگویند)، نتیجه می‌گیرد که زحمتکشان قراباغ کوهستانی به نفع "پیوستن سرزمین خود به آذربایجان" رای داده‌اند. گ. قلی اف رئیس شعبه آذربایجانی انیستوتی مارکسیسم-لنینیسم بطور تحت اللفظی و بدون بررسی واقعیت امر این مطلب را در مقاله خود تحت عنوان "از مواضع اترناسیونالیسم. درباره تاریخ تشکیل ناحیه خود مختار قراباغ کوهستانی در جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان" تکرار می‌کند. ما بعداً به اذایب مطرح شده خواهیم پرداخت. تا کنون برای ما مشخص نشده است که آمیکویان این اطلاعات نادرست را از کجا استخراج کرده است لیکن فکر می‌کنیم پیدا کردن و خواندن قطعنامه فوق‌الذکر کنگره پنجم ارمنیان قراباغ برای قلی اف‌های تاریخدان کار دشواری نبود.^{۱۶}

قلمرو خود نمی‌پذیرد و نخواهد پذیرفت، این تصمیم را کنگره ارمنیان سراسر قراباغ که اخیراً برگزار شده است اتخاذ کرده است.^{۱۷} شورای ملی، بر اساس یکی از اسناد موجود، معتقد بود که کنفرانس صلح پاریس "به خواست و اراده ساکنان ارمنی سراسر قراباغ پاسخ گفته این منطقه ارمنی را مجدداً به ارمنستان منضم خواهد کرد".^{۱۸} شورای ملی در خواست خروج نیروهای نظامی آذربایجان از مرزهای آرتساخ را مطرح می‌ساخت با این حال حکومت آذربایجان این تقاضای ارمنیان آرتساخ را قاطعانه رد می‌کرد. نشریه مستقل "ناشه ورمیا" چاپ باکو در همان روزها می‌نوشت که در مسئله قراباغ "آذربایجان از کمک‌های فرماندهی بریتانیا برخوردار است". سپس ادامه می‌دهد که این سیاست چنان شرایط پیچیده‌ای پدید آورده بود که مردم قاطعانه از شناسایی حکومت آذربایجان سرباز می‌زدند. "فرماندهی انگلیس از هیچ کوششی برای تحکیم حکومت آذربایجان مضایقه نمی‌کند" و "به انحاء مختلف بر سر راه شناسایی حکومت شورای ملی ایجاد اختلال می‌نماید". در ادامه این نشریه می‌افزاید، مشکل می‌توان گفت که "فرماندهی انگلیس با تحمیل یک حکومت دشمن و بیگانه بر یک جمعیت روستایی چه مقاصد را دنبال می‌کند". آنگاه نتیجه گیری می‌کند که سیاست انگلیس مملو از معضلات خونین است زیرا "مردم قراباغ با اتکاء به اراده خود نمی‌تواند حکومت فئودال‌ها و بیگ‌های آذربایجانی را بپذیرد".

ژنرال آندرانیک که در گوریس بود، دورادور رویدادهای آرتساخ را زیر نظر داشت و پیگیری می‌کرد و به فرماندهان نظامی و شورای ملی ارمنی قراباغ طی نامه‌های خود توصیه‌های لازم را ارائه می‌داد. ژنرال در نامه خود به فرماندهی کل نیروهای متفق در باکو درخواست می‌کرد خواستهای به حق اهالی آرتساخ جامه عمل بپوشند. او وظیفه خود می‌دانست متذکر شود که "ارمنیان قراباغ و منطقه پهناور زانگور و مناطق آن قاپان، سیسیان و مغری با جمعیت بیش از ۴۰۰ هزار نفر تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند سلطه آذربایجان را بر قلمرو خود بپذیرند".^{۱۹}

ارمنیان قراباغ، آندرانیک را حامی خود می‌دانستند. در نامه‌ای که به تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۱۹ از آرتساخ برای او ارسال شده بود آمده است: "امروز قراباغ... چشمان خود را به سوی شما خیره کرده با تمام وجود خواستار دیدار شما است و این که شما را در راس کلیه امور ببیند. تنها شما می‌توانید به این اوضاع نا بسامان پایان دهید...".^{۲۰}

زحمتکشان سیونیک با گرد آمدن نزد ژنرال آندرانیک مانع از اجرای برنامه وحشتناک و شیطانی کشتارهای زانگور و قراباغ توسط ترکان و تاتارها شدند. دژخیمان ترک و تاتار تمام امکانات تبلیغاتی خود را بر علیه آندرانیک به کار گرفتند. روزنامه "آذربایجان" ارگان رسمی حزب مساوات دسیسه‌های جدیدی بر علیه آندرانیک تدارک می‌دید زیرا در این فرمان، استعمارگران آلمانی - ترک سیاست وحشیانه خود را تقریباً در سراسر ماوراء قفقاز به اجرا در می‌آوردند. تنها زانگور و قراباغ به همت جنگهای قهرمانانه سپاه آندرانیک از سلطه بیگانه مبرا شدند.

مساواتی‌ها به هر نحو سعی می‌کردند به کمک تاسوسون آندرانیک را از سیونیک بیرون برانند و آرتساخ ارمنی و سراسر زانگور را به چنگ آورند. آندرانیک درخواست فرماندهی انگلیس مبنی بر تسلیم زانگور به حکومت مساوات را قاطعانه رد کرد. سرگرد کیپون و سروان سیرایت نمایندگان تاسوسون، عبدالله بیگ حسن بیگف از طرف دولت مساوات باکو و چلیپنگاریان نماینده شورای ملی ارمنی باکو پس از ورود به گوریس با آندرانیک به توافق رسیدند که شخص اخیر تا ماه مه ۱۹۱۹ در زانگور باقی بماند. لیکن جلسه فرماندهان نظامی که بنا به دعوت آندرانیک در ۲۳ دسامبر ۱۹۱۸ تشکیل شده بود ترجیح داد زودتر از موعد از سیونیک خارج شوند زیرا نه مواد غذایی موجود بود و نه محل مناسب برای اقامت زمستانی در اختیار داشتند. غیر از آن، سربازان مایل بودند به خانه‌های خود باز گردند و کارهای کشاورزی خود را به موقع انجام دهند. در تاریخ ۴ مارس ۱۹۱۹، سرگرد کیپون بار دیگر به گوریس می‌رود و به آندرانیک پیشنهاد می‌کند از طریق محور شوشی - یولاغ - تغلیس از زانگور راهی ایروان شود و اطمینان می‌داد که جاده‌ها دارای امنیت کافی بوده از طرفی ۲۵۰ سرباز انگلیسی سپاه او را همراهی کنند. از دیگر سو ساکنان قراباغ درخواست کردند تا آندرانیک زانگور را ترک نکند و در صورتی که این امر امکان پذیر نیست و تصمیم ژنرال قطعی است، از محور پیشنهادی انگلیسیان حرکت نکند.^{۲۱} آنها اطلاع داشتند که دولت مساواتی‌ها در تدارک کشتار جدیدی در شامخور بود تا بتواند نیروهای

^۹ - همانجا.

^{۱۰} - همانجا، ۲۰۰، ۱، ۲۷۱، شماره ۱۰.

^{۱۱} آرشوی دولتی، ۳۷۰، ۱، ۳۹، شماره ۷

^{۱۲} همانجا، ۴۰۲، شماره ۸.

^{۱۳} تا سال ۱۹۱۸ ساکنان جمهوری آذربایجان فعلی را تاتار می‌گفتند زیرا لفظ آذربایجان را

آذری که به غلط به آن ناحیه و مردمش اطلاق گردیده تا آن زمان به کار نمی‌رفت.

^{۱۴} - همانجا، ۳۸، ۳۷، ۴۰، شماره ۲۳.

^{۱۵} - نگاه کنید به: زب. آقاییان، "تاریخ مبارزات آزادیبخش خلق ارمن" ایروان، ۱۹۷۶، ص ۶۸۷.

^{۱۶} - آرشوی دولتی، ۳۰۰، ۱، ۵، شماره ۱۱-۱۰.

^{۱۷} - به بند شماره ۷ نگاه کنید.